

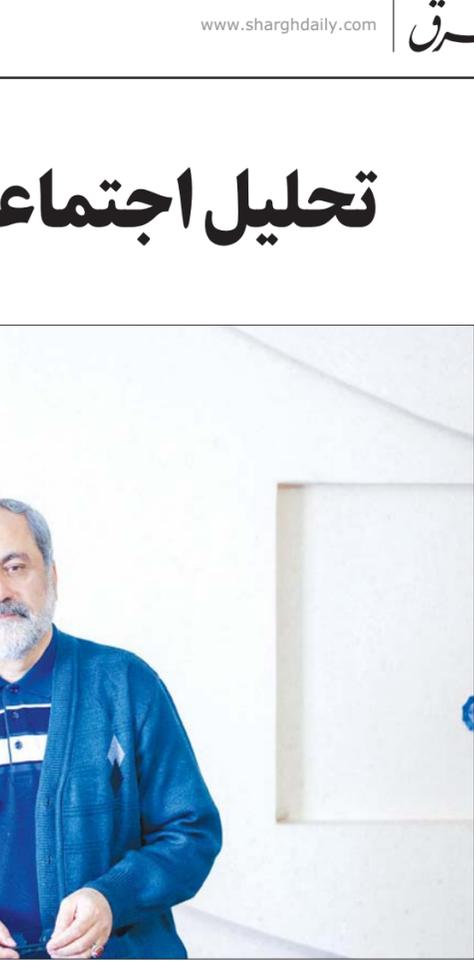
تحلیل اجتماعی اعتراض‌های اخیر

ادامه از صفحه ۸

آنها خیلی صحبت کردم، می‌گویم، آنها به ماجرای سریلانکا اشاره می‌کنند. من از صحبت‌های شما این را متوجه شدم که اینجا خیلی ساختاری ندارد؛ ولی فکر می‌کنید که این توده بی‌شکل ولی با این نشانه‌ها، احتمال شکل‌گرفتن و تبدیل شدن به یک جریان را داشته باشد یا خیر؟

بله. عرض کردم در کوتاه‌مدت خیر. در درازمدت خیلی اتفاقات ممکن است رخ بدهد. ممکن است فعل‌وانفعالاتی رخ دهد که همین جنبش بی‌شکل و بی‌ایدئولوژی به‌تدریج خودش را بیابد و یک انسجام‌تئوریکی پیدا کند و تبدیل به یک جنبش اجتماعی شود. چون می‌گویند جنبش اجتماعی اتفاقی است که در عرصه مدنی رخ می‌دهد، لیدر تعریف‌شده و ایدئولوژی منسجم و مشخص دارد. الان که ندارد؛ ولی ممکن است درنهایت چنین اتفاقی رخ دهد. کسی نمی‌تواند بگوید که این‌طور باقی می‌ماند اما در کوتاه‌مدت، آن چیزی که ما داریم می‌بینیم، نمی‌تواند به نتیجه برسد و آنها هم نمی‌توانند بگویند ما همین‌طوری هرازچندگاه به خیابان بریزیم و بعد مثلا حالا چهار تا اتفاق هم رخ بدهد و چهار تا مثلا سطل آسفالت هم به آتش کشیده شود و به نتیجه برسد. این به نتیجه نمی‌رسد. نباید هم برسد چون حداقلش این است که ممکن است خود اینها به جان هم بیفتند و مثل داستان مشروطه شود. اینکه از مشروطه بالاتر نیست. این واکنش‌های احساسی/هیجانی‌که از مشروطه بالاتر نیست. مشروطه در یک چیز اشتراک داشتند (تازه اشتراک داشتند) در اینکه حکومت باید مشروط و محدود باشد و قدرت باید منضبط باشد؛ اما هرکدام از زاویه‌ای نگاه کردند. یکی از زاویه سنت‌گرایی و دیگری از زاویه تجددگرایی نگاه می‌کرد و به محض اینکه مشروطه پیروز شد، خود اینها به جان هم افتادند. هم روحانیون به جان هم؛ هم روحانیون و روشنفکران به جان هم و هم روشنفکران به جان هم افتادند و این بستری برای استبداد رضاخانی شد. و الا اگر اینها از همان ابتدا یک انسجام‌تئوریک تعریف‌شده‌ای می‌داشتند و فقط در یک خواسته سلبی خود را تعریف نمی‌کردند و وحدتشان را براساس آن پیش نمی‌بردند، خب مشروطه به نتایج بهتری می‌انجامید. همان اتفاق نازی که در مشروطه اتفاق افتاد درس عبرتی برای انقلاب اسلامی شد تا انسجام‌تئوریک بهتر و رهبری منسجمی داشته باشد. عطف به فلسفه سیاسی مردم‌سالاری دینی که خیلی‌ها متوجه و منتظن آن نیستند، هم تجددگرایی را و هم سنت‌گرایی را انتقادش‌ای بود. خب این نتیجه یک عبرت تاریخی است؛ اما این معترضان الان چه دارند؟ یعنی الان من وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم یک «نه» دارند دیگر. فقط یک «نه» دارند. می‌خواهم بگویم این «نه» آنها غلیظتر از «نه» مشروطه هم که نیست. یک «نه» احساسی است و یک «نه»ای است که معرفتی تعریف شده و آشکار پشت آن نیست.

ببینید! من باز هم دارم می‌گویم (تاکید می‌کنم)، خود این «نه»، از یک مشکل ساختاری در سیستم ما حکایت می‌کند. خود این «نه» را باید شنید. خود این «نه» را باید توجه کرد. خود این «نه» را باید رفت مصاحبه کرد و دید خواسته‌های آنها چیست و بعد به آن خواسته‌ها توجه کرد. من به آن چیزی که اصرار داشتم از اولش



هم شاید جزء اولین اشخاصی بودم که راجع به این قضیه مصاحبه کردم که این اصلا تردیدی در آن نیست؛ اما بحث من این است که خود این جریان اگر می‌خواهد توفیق بهتری داشته باشد، باید توجه به این معانی داشته باشد. این دیگر بحثی است که در جامعه‌شناسی سیاسی به‌ویژه جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی جا افتاده است.

ان‌یک چیز رهاشده و آشفته است و اگر بخواهد در همین‌جا بماند و با همین مسئله تعریف شود، آینده خوشی ندارد و کشور به هم می‌ریزد که نمی‌تواند مطلوب کسی باشد. یک چیزی را که «نه» شما می‌گوید، باید یک «بله» هم داشته باشد. آن «بله» چیست؟ یعنی به اینها بگویم که خیلی خب، حالا این نظام نباشد، این ایدئولوژی نباشد و این حکومت نباشد. حکومت بعدی چیست؟! خب بگویید ایدئولوژی‌اش چیست؟ لیدرش چه کسی است؟ جوابی برای گفتن ندارند. نمی‌شود فقط یک «نه» عرضه داد. بالاخره یک قسمت این «نه» سلبی است. بخش «ایچان» آن چیست؟

البته من فقط به آنها انتقاد نمی‌کنم. در این سو هم نظام تربیتی و آموزش‌وپرورش ما با نظام دانشگاهی‌مان‌تا چه اندازه به جوان‌های ما اعتراض را آموخته؟ شما

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۴۲۷۵۹۰ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی مغرور و مجزا شده از ۲۱۱۶۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۳ در سمت شمالی طبقه چهارم که ۱۹/۳۲ متر مربع آن پیشرفتگی است به انضمام پارکینگ قطعه ۱۷ به مساحت ۱۰.۸ واقع در طبقه – ۲ به قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و ایین نامه اجرایی آن واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۱ حوزه ثبت ملک شهر آر تهران استان تهران به موجب سند تقسیم نامه ۱۶۵۱۶-۱۳۹۴/۱/۳-۱۳۹۴ دفترخانه ۷۵۱ شماره ۷۵۱ شهر تهران به نام آقای محمد جواد حریری و فاطمه زائری ثبت و اسناد مالکیت بشماره چایی ۲۳۷۰۲۳ و ۲۳۷۰۲۳ سری الف سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۱۰۰۰۲۹۳۲۲ صادر و سپس طی انتقال ۷۲۲۰-۸/۱۳/۱۴۰۰ دفترخانه ۱۳۷۱ تهران سهمی فاطمه زائری به محمد جواد حریری منتقل و ذیل ۵۶۴۲۷ سری ه سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۱۴۶۰۰۳۰۱۰۰۱۴۶۰۴ صادر و تسلیم شد.سپس مشارالیه با ارائه دو برگ استشهادیه به که بامضا شهود رسیده است و ذیل آن طی شماره ۲۸۸۹ و ۲۸۰ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۰ دفتر دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۷۱ شهر تهران گواهی گردیده است مدعی است که سند مذکور به علت جابجایی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مورد نظر را دارد لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به آن و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شدو صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود. م الف ۱۳۲۴۸ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهر آرا

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسین ابراهیمی مزرعه نوئی بوکالت از آقای محمد حسین سلطانی بموجب وکالتنامه رسمی شماره ۱۵۷۵۶۷ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۹ دفتر خانه شماره ۹۸ اصفهان که اصالت و اعتبار وکالت و عدم عزل وکیل در مورخه ۱۴۰۱/۷/۹ برابر سیستم رایانه (ثبت من) مورد تایید واقع در گردید اعلام گردیده است با تسلیم تقاضا وارده به شماره ۲۱۵۸۴-۱۰۲۵۰۱۸۵۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲ منضم به دو برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۴۸۲۵۲ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲ با شناسه یکتا ۰۳۰۰۴۳۰۰۲۱۵۲۸۰۳۰۰۴۳۰ رمز تصدیق ۷۰۴۸۳۵ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۹ حوزه ثبتی تهران مدعی گردیده سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان نوع ملک طلق یا کاربری به پلاک ثبتی ۶۸۶۴۳ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی مغرور و مجزا شده از ۶۵۹۸ فرعی از اصلی مذکورقطعه ۱۵ در جنوبغربی طبقه ۳ واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۱۷۲.۷ متر مربع که مقدار ۵/۵۰ متر مربع آن بالکن بانضمام ششدانگ یکواح پارکینگ بمساحت ۱۱ متر مربع قطعه ۴ تفکیکی واقع در طبقه زیرزمین اول و ششدانگ یکباب انباری بمساحت ۴/۲۰ متر مربع قطعه ۱۲ تفکیکی واقع در طبقه زیرزمین اول

مشخصات مالکیت : مالکیت محمد حسین سلطانی فرزند نصرالله شماره شناسنامه ۸ تاریخ تولد ۱۳۲۷/۱۰/۵ صادره از اصفهان دارای شماره ملی ۱۲۸۰۹۹۵۰۲۷۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۱۳۳ تاریخ ۱۳۸۰/۵/۹ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چایی ۳۸۱۰۶۹ سری سال که در صفحه ۴۳۵ دفتر املاک جلد ۱۷۲۹ ذیل شماره ۲۶۳۷۰۸ ثبت گردیده است .محدودیت: ندارد .بعلت اسباب کنشی جابجایی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف نموده‌است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود.در صورت عدم وصول واخواهی طرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک م الف ۱۳۲۵۱

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی یحیی پور وکیل آقای علیرضا چاهه و طبق وکالتنامه شماره ۱۰۶۱۹۸ مورخ ۹۲/۱۲/۱۷ دفتر خانه اسناد شماره ۲۴۰ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۳۳۹۳۵ مورخ ۱۴۰۱/۳/۹ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۴۰ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۱۶۲۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۵ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در سمت یک دستگاه آپارتمان نوع ملک طلق یا کاربری اداری به پلاک ثبتی ۶۶۴۶۷ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی مغرور و مجزا شده از ۵۱۹۳ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲ در طبقه اول و واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۵۰ مربع مشخصات منضمات ملک : انباری قطعه ۲۰ تفکیکی به مساحت ۲/۲۸ متر مربع واقع در زیرزمین که در صفحه ۲۱۸ دفتر املاک جلد ۱۵۵۸ ذیل ثبت شماره ۲۳۳۲۴ بشماره چایی ۶۷۴۷۵۸ بنام آقای محمود حامد ثبت صادر و تسلیم گردیده و مع الواسطه طبق سند قطعی شماره ۸۲۴ مورخ ۹۱/۱۱/۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۹۲ حوزه ثبتی تهران به آقای علیرضا چاهه ا انتقال یافته است . بعلت جابجایی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود .در صورت عدم وصول واخواهی طرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک م الف ۱۳۲۵۲



● راجع به همین مسئله نگاه حاکمیتی هم یک صحنیتی داشته باشیم. چیزی که من

خوب نگاه کنید، می‌بینید همه چیز دست به دست هم می‌دهد، نه طرف می‌تواند حرف سیاسی بزند، نه می‌تواند حرف فرهنگی بزند و نه می‌تواند اعتراض اقتصادی کند. تعارف که نداریم همین واقعه اخیر را ببینید. اصلا انگار نه‌انگار پلیس نقش داشته است. انگارنه‌انگار پلیس مسئول این قضیه است و باید عذرخواهی کند. انگارنه‌انگار... اصلا نیاز به تحقیق نداشت و نیاز به کمیته نداشت. همین که به خانمی شوک روانی وارد شده و این شوک روانی باعث شده به هر دلیلی و با هر پیشینه‌ای و با هر بیماری‌ای این‌گونه فوت کند، مقصرش باید عذرخواهی می‌کرد. نکرد! باید همه را با هم دید.

● سؤال آخر را راجع به شناخت این نسل بی‌رسم و بعد یک چیزی راجع به بحث قدرت بی‌رسم. من ابتدا در سؤال‌هایم نوشته بودم تا از شما بی‌رسم و دیدم که شما هم در لابه‌لای حرف‌های‌تان به این مسئله اشاره کردید. آن هم همین موضوع حضورنداشتن رسمی آنها در قدرت رسمی است. می‌خواهم ببینم بی‌دستاوربودن این نسل در انقلاب چقدر آنها را جسور کرده؟ به‌هرحال اگر شما نسلی باشید که انتخابات دوم خرداد ۷۶ را رقم زده باشید یا انتخابات ۳۰ هیچ تهران را برنده شده باشید یا حتی در ۸۸ به خیابان آمده باشید که دستاورد سیاسی دارید و همین مسئله شما را آرام‌تر می‌کند. اما بی‌دستاوربودن این نسل، برگزاری انتخابات‌های کم‌مشارکت و با دایره محدودی از سلايق تلاش کرده آنها را کنار بزند اما به‌هرحال آنها تلاش کردند خودشان را به همه اثبات کنند. این بی‌دستاوربودن چقدر در

جسورشدن این نسل مؤثر بوده است؟

من گفتم این نسل، نسل رهاشده یا نسل طردشده است. حتی جایی گفتم این «شورش طردشدگان» است، ما واقعا نمی‌نشینیم فکر کنیم که چرا این‌قدر تبعیض در کشور داریم؟ چرا این‌قدر امتیاز است؟ چرا این‌قدر رانت است؟ چرا عده‌ای هنوز که هنوز است از امتیازات و حتی رانت‌های حضور در انقلاب اسلامی و... بهره‌برداري می‌کنند؟ این ماجرا تا چه زمانی قرار است ادامه داشته باشد؟ جوان چه زمانی باید احساس کند که یک میدان آزاد رقابتی وجود دارد که او هم می‌تواند رقابت (رقابت علمی، رقابت فرهنگی، رقابت آموزشی و رقابت اقتصادی) کند؟ احساس می‌کند موانع زیاد هستند. احساس می‌کند تبعیضات ناروایی که دیگر

دوران آن گذشته و ما باید وارد دوران جدیدی بشویم کم‌اکن ادامه دارد.

فرهنگ فی ذات« متکثر» است. این به معنای نفی وحدت آن نیست، ولی وقتی دوران بحران و دوران انقلاب می‌شود، این متکثر میل به وحدت پیدا می‌کند؛ اما بعد از مدتی دوباره می‌خواهد به تکتورش برگردد. چرا شما متوجه این معانی نیستید؟ این باید به «متکثر»ش برگردد. رسیدن به تکثر هم لوازمی دارد.

شما باید میدان (میدان مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی و مشارکت فرهنگی) بدهید. تبعیض‌ها و امتیازات ناروا را بردارید و اجازه بدهید که نخیکان و روشنفکران بیابند به عنوان حلقه واسط عرصه داغ مدنی و عرصه منجمد و یخ‌زده دانشگاه مشارکت و عرض اندام کنند. در همین برنامه‌های تلویزیون نگاه کنید چقدر به روشنفکر ضربه زد. فکر می‌کردند یک نفر روشنفکر یعنی یک آدم بیگانه‌گرا و یک آدم ایران‌ستیز و اسلام‌ستیز. این حرف‌ها چیست؟ روشنفکری ما باعث شکل‌گیری انقلاب شد. حداقل نقش برجسته‌ای بر عهده روشنفکران ما بود؛ مثل مرحوم شریعتی، مرحوم مطهری و امثالهم. اینها روشنگری کردند و زبان بی‌زبان‌ها بودند. الان زبان بی‌زبان اینها چه کسانی هستند؟ چه کسانی بیابند صدای اینها را به گوش بالایی‌ها برسانند؟ گوش بدهید. اتفاقا همین اتفاقی که در ایران رخ داده و در سال‌های گذشته، یک فرصت است. یک فرصت بود و هنوز هم یک فرصت است که ببینید مشکلاتان کجاست و ضعف‌هایتان کجاست. با اینها بنشینید مصاحبه کیفی کنید و بعد رفع بکنید.

من یک چیزی حسب تجربه سیاسی خودم در این مملکت و تجربه علمی‌ام آموختم. مسئله کشور ما «حرف» نیست بلکه «عمل» است؛ یعنی ما یک شکاف

فاحش بین نظر و عمل داریم و عامل اصلی شکاف بین نظر و عمل هم منافع عده‌ای است؛ یعنی یک عده منافعشان اقتضا نمی‌کند که این شکاف پر شود. خب این را شناسایی کنید و اینها را حذف کنید. برای اینکه اصلا احساس می‌کنند به‌محض اینکه بخواهد این شکاف پر شود، منافع مادی آنها و سیاسی معطوف به منافع مادی آنها حذف می‌شود! اینها را شناسایی کنید و بیندازید بیرون تا کشور نفس بکشد.

نتایج تحقیقات غیرمستقیمی که به گوش ما رسیده، این است که خیلی از اینها در واقع مشکلاتشان مشکل آینده است، مشکلاتشان مشکل کار است، مشکلاتان این است که تحصیل می‌کنند و سطح آموزششان بالا می‌رود ولی کاری نیست. خب این چیست؟ اینها همه ضعف‌های موجود است. من هنوز معتقدم که حتی تحریم می‌توانست یک فرصت باشد. ولی تحریم برای چه کسی می‌تواند فرصت باشد؟ برای کسی که توجه داشته باشد که یک کشوری که در حال تحریم است، دیگر نباید این‌قدر مشکلات داخلی را سنکین کند که مدام مشکل روی مشکل بیاید. بنابراین احساس می‌کنم این کسانی که به هر حال به خیابان ریختند که انواع و اقسامی دارد؛ یک عده‌شان یک اعتراض مدنی دارند که هم آموزش اعتراض مدنی ندیده‌اند و هم در کشور ما اعتراض خوب جا نیفتاده است، نقد خوب جا نیفتاده است و هم اینکه می‌شود از یک منظر به آن به عنوان یک فرصت نگاه کرد و با یای حرف آنها نشست و در عمل به رفع مشکلات پرداخت.

● راجع به همین مسئله نگاه حاکمیتی هم یک صحنیتی داشته باشیم. چیزی که من احساس می‌کنم خیلی‌ها را اذیت می‌کند که حتی در حرف‌های شما هم هست، این است که در واقع برخورد با یک فاجعه یا یک اشتباه در ایران خیلی عجیب است؛ یعنی مثلا فرض کنید همین که شما می‌گویید پلیس عذرخواهی نکرد، می‌گویند یک دختری مُرد! یعنی بالاخره آن کسسی که می‌آید در خیابان اعتراض می‌کند، فقط اعتراض که نیست. دنبال این است که یک پاسخی از شما بگیرد دیگر. ولی به نظر می‌رسد توجه به این مسئله یا وجود ندارد یا اگر وجود دارد، دقیق نیست؛ یعنی کسی نمی‌خواهد به این مسئله پاسخ بدهد و اگر پاسخ ندهید، بالاخره ما می‌بینیم دیگر از ۹۶ ما همین‌طور سال به سال اعتراض داریم. قبلا هر ۱۰ سال یک بار اعتراض بود، الان تقریبا هر سال دارد می‌شود دیگر. ادامه این روش باعث می‌شود ایران همچنان فضای ملت‌هپی داشته باشد به نظر‌تان؟

این شورش‌هایی که به خاطر مثلا مرگ یک نفر اتفاق افتاده از سر تصادف نیست. بلکه یک جنبه ساختاری دارد که عمدتا به نابرابری برمی‌گردد. نه فقط هم نابرابری بلکه عوامل دیگری نظیر سیاست‌های خدمتی و سیاست‌های شهری و نوع نگاه پلیس و حالا نابرابری‌های محله‌ای و... هم مؤثر هستند.

مثلا ببینید وقتی مجلس مذاکراتش را زنده از یک شبکه رادیویی پخش می‌کند یعنی می‌خواهد بگوید که شفاف هستیم و می‌خواهیم در مسیر شفافیت کام برداریم. خب اگر در مسیر شفافیت کام برمی‌دارید همه‌جا شفاف باشید. چرا اینجا شفاف نبودید؟ شما باید عذرخواهی می‌کردید. واقعا اگر عذرخواهی می‌کردید، جلوی خیلی از این حوادث را می‌گرفتید. چرا جواب‌گو نیستید؟ چرا خودتان را میرا از جواب می‌دانید؟

من یک کلام می‌گویم؛ ما یک قدرت اجتماعی داریم و یک قدرت سیاسی. قدرت سیاسی معرف قدرت اجتماعی است و قدرت اجتماعی را نمایندگی می‌کند و اگر این نمایندگی را نکند، یعنی اینکه نمی‌تواند معرف خوبی باشد. درحالی‌که باید بیاید پاسخ بدهد. اگر قرار باشد که طبق قانون اساسی عمل بشود، باید پاسخ‌گو باشد. پاسخ می‌دادند و به‌موقع هم باید پاسخ می‌دادند. من یقین دارم که اگر به‌موقع پاسخ می‌دادند، خیلی از این اتفاقات رخ نمی‌شد اما اینکه در مواقعی آمدند عذرخواهی کردند و چنین بازتابی هم نداشت. اسما عذرخواهی نکردند و حتی در قضیه هواییمای اوکراینی هم اگر یادتان باشد بالاخره عذرخواهی کردند. حالا ما توقع داشتیم که دادگاهی هم تشکیل بشود و آن دادگاه هم علنی باشد، من نمی‌دانم و اطلاع ندارم که انجام شد یا نشد. موارد مشابهی که تحقیق کردم، شخصا سؤال کردم. مثلا این اتفاقی که در جاپهار افتاده، شخصا جست‌وجو کردم که این اتفاق افتاده یا نه. اما نتیجه چه شده است؟

● یک مسئله‌ای وجود دارد که در اینجا هم خودش را نشان می‌دهد؛ یعنی چه در آن زمان که ما اینترنت نداشتیم و چه در الان که دیگر هر شهروندی یک گوشی هوشمند و اینترنت پرسرعت دارد، به نظر می‌رسد با انتشار خبر خیلی مشکل داریم.

متأسفانه این هست دیگر. یک واقعیت است، یعنی بلافاصله هر اتفاقی که می‌افتد یک اسناد اداری خبری رخ می‌دهد و این اسناد اداری به نفع طرفداران نظام سیاسی هم نیست. به ضرر آنها هم هست. مثلا چطور می‌توانند اطلاعات درست و صحیحی را منتقل کنند؟ خب این اتفاق نمی‌افتد؛ این یکی از آن درهای ساختاری ماست. من بادم هست، سال‌ها در صداوسیما جوری خبرهای مربوط به سورهیه انتقال پیدا می‌کرد که گویی در سورهیه هیچ اتفاقی رخ نداده و همه چیز امن و امان است! خب اینکه نمی‌شود؛ و بعد مردم گرایش به شبکه‌های دیگر و رسانه‌های دیگر پیدا می‌کنند.

ما واقعا باید شهامت این را داشته باشیم. این یک رشد می‌خواهد که بیاید با وجود همه آن حساسیت‌ها و اتفاقاتی که ممکن است رخ بدهد و یک سری اخبار نادرست منتقل بشود، شما اخبار درست را با همه تحفظات منتقل کنید. متأسفانه خب این هست دیگر؛ بنده الان خودم شخصا... هیچ دسترسی‌ای ندارم. یک دسترسی از طریق واتس‌آپ داشتیم که قطع شده است و بعضی وقت‌ها اینترنت و حتی ایمیل‌مان هم مسدود شده است. خب این چه می‌شود؟ این خود به خود باعث گرایش به رسانه‌هایی می‌شود که نمی‌آیند طبق تحفظات و ملاحظات ما، قانونی ما، اخلاقی ما و شرعی ما عمل بکنند. آنها اهداف و منویات خودشان را دارند. کسی هم شک ندارد که ما دشمنی به نام آمریکا و به نام غرب داریم. می‌بینیم که این دشمنی را نشان می‌دهند. خب شما دشمنی را بیشتر می‌کنید. بیشتر را برای دشمنی فراهم می‌کنید. ولی شما اگر این اسناد خبری را نداشته باشید و یک مقداری درست منتقل کنید و یک طرفه به قاضی نروید، یعنی در واقع طرفین را دعوت کنید ببینند حرف‌هایشان را بزنند و به‌موقع هم بزنند؛ خیلی از این اتفاقات رخ نمی‌دهد. این منبع خبری که به آنها منتقل می‌شود، عوض می‌شود. متأسفانه ما آن را داشتیم و هنوز هم داریم و متأسفانه به نظر من رسانه ملی باید جواب‌گو باشد. بسیاری از اتفاقاتی که در گذشته رخ داده و منبع خبری را عوض کرد و از داخل به خارج برد مسئولیتش بر عهده صداوسیماست.

مشارکت با جوامع محلی برای حفاظت از پارک ملی گلستان

ایرنا:مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گلستان تاکید کرد: در حفاظت از پارک ملی گلستان به دنبال مشارکت جوامع محلی هستیم، بر این اساس تغییر نگرش در نحوه حفاظت از مناطق تحت مدیریت سازمان را در دستور کار داریم تا مردم هم از منافع آن بهره‌مند شوند.
محمدرضا کنعانی اظهار کرد: باید از حفاظت به شیوه سنتی گذر کنیم و حفاظت با الگوی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم. وی افزود: با توجه به اینکه پارک ملی گلستان در بین ۳۰۸ منطقه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست قدیمی‌ترین منطقه است، از لحاظ تنوع زیستی در موقعیت ویژه‌ای قرار دارد. ذخیره‌گاه زیست‌کره محسوب می‌شود و در یونسکو هم ثبت شده است. الگوی مدیریت مشارکتی در این پارک را در دستور کار قرار داده‌ایم. مدیر کل حفاظت محیط زیست استان گلستان تاکید کرد: ما به دنبال ایجاد زمینه‌های هستیم که جوامع محلی در حاشیه پارک ملی گلستان بتوانند بهره‌برداري و انتفاع پایدار از این پارک داشته باشند، بهره‌برداري پایدار کمکی می‌کند که مردم خود را در بحث حفاظت شریک بدانند و تعارض ما با جوامع محلی کاهش می‌یابد. وی، شناسایی معیشت‌های پایدار، سبز و توسعه ظرفیت‌ها را از اهم برنامه‌های این اداره کل عنوان کرد و گفت: بر این اساس، چند کار به موازات هم در پارک ملی گلستان شروع شده است. در مرحله اول با تفاهنامه‌ای که در سال ۱۳۹۸ با صندوق ملی محیط زیست منعقد کردیم، الگوی بهره‌برداري پایدار از چهار نفرچگاه در پارک ملی گلستان که به روش سنتی مورد بهره‌برداري قرار می‌گیرند، تدوین شده